



جمال شورهجه (فيلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فيلمساز) | محمد کاسبی (بازگر) | رسول ملاقلی پور (فيلمساز) | شهریار بحرانی (فيلمساز) | پرویز شیخ‌طادی (فيلمساز) | داود میرباقری (فيلمساز) | حسین پاری (بازگر) | پروانه معصومی (بازگر) | مهدی قنیه (بازگر) | ابراهیم حاتم‌کیا (فيلمساز) | سلحشور (فيلمساز) | هادی محمدیان (بوانا) | مجید مجیدی (فيلمساز) | شهید آوینی (فيلمساز) | جواد اردکانی (فيلمساز)

خوک، گاوصندوق و خرس نقره‌ای



چرا حرف‌های سیاست‌زده لیلا حاتمى غیرمنتظره بود، اما در واقع غیرمنتظره نیست؟ چرا این‌ها بازگر که معمولاً از واکنش به مسائل سیاسی پرهیز دارد، این‌گونه شتابزده و غافلگیرکننده درباره مسئله‌ای که چند ماه از آن گذشته، بی‌مقدمه و در محفلى سینمایی و خارج از کشور اظهار نظر کرده است؟ چرا سخنان این بازگر به رغم ضعیف بودن، مهم تلقی می‌شود؟ باز هم جشنواره‌های سینمایی در آن سوی جهان تبدیل به محلی برای طرح مسایل سیاسی علیه ایران شد. این بار دقیقاً بازیگرى محور این حرکت قرار گرفت که کمتر کسی از او توقع داشت که این گونه بی‌محیا سخن بگوید. آن هم در شرایطی که به لوق خودش برای اولین بار بود که موضع‌گیری سیاسی می‌کرد. به زعم نگارنده، متوجه کردن اتهامات به سمت شخص این بازیگر، مانع رسیدن به تحلیلی گسترده‌تر درباره آنچه در زیر پوست سینمای ما می‌گذرد است. چرا که امثال لیلا حاتمى، ترانه علیدوستى و... را نمی‌توان به صورت «فرد» بررسی کرد. چنین روشی ما را از شناخت جریان و نقشه اصلی دور می‌کند.

در این یادداشت نمانست تا کنش‌های سیاسی را بازبازگران را در بسستر نظریه ساخت‌گرا بررسی کنیم. بر اساس این نظریه، هیچ عنصر و پدیده‌ای را نمی‌توان به صورت ذره از متن و زمینه جدا کرد. در چارچوب این نظریه، برای شناخت عمیق و دقیق یک مسئله یا عنصر فرهنگی و اجتماعی باید نظام یا سازمانی که آن عنصر جزئی از آن هست را شناخت.

ترانه علیدوستی کمی زودتر و لیلا حاتمى امروز، از یک بازیگر فراتر رفته‌اند و به عنوان سخنگو و نماینده یک جریان حاتمى‌افرینی می‌کنند. جریانی که ماهیتی هنرمندانه ندارد، بلکه در حوزه فرآیندهای اقتصادی فعال است. این جریان نه تنها مستقل نیست، بلکه وابسته به شبکه‌های جهانی است. این شبکه چون به لحاظ امنیتی و سیاسی به سختی می‌تواند در ایران نفوذ کند، از راه رسانه‌ای از بی‌منفذسازی در داخل کشور ماست. شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان، جذب ناگم بازیگران ایرانی به سینما و تلویزیون کشورهای دیگر و استفاده ازبازی از آنها و همچنین جشنواره‌های سینمایی ازجمله مصادق‌های بارز این فرآیند رسانه‌ای است. ترانه علیدوستی امروز به عنوان «شهرزاد» در سطح جامعه شناخته می‌شود. شهرزادی

گفت و گو با محسن یزدی مستندساز و مدیر مرکز مستند سوره

ماه گذشته گروهی از مستندسازان با رهبر معظم انقلاب دیداری داشتند و آنها دغدغه‌ها خود را به معظم‌له بیان کردند. پس از آن معظم‌له پیامی را خطاب به مستندسازان کشور ابلاغ کردند که به عنوان منشور مستند انقلاب اسلامی رونمایی شد. محسن یزدی از مستندساز و مدیر مرکز مستند سوره که از جمله حاضران در دیدار مستندسازها با رهبر انقلاب بود، به همین مناسبت و درباره این منشور و فضای مستند سازی حاکم بر کشور گفت و گویی را انجام دادیم.



محمدعلی میرزایی

پیام رهبر انقلاب

پیشرفت مستند کشور را تسریع می‌کند

کتمان کرد که طیفی از مستندسازان ما در جریان روشنفکری قرار دارند و خودشان هم ادعایی در حوزه مستند سازی ندارند و به نظر من مخاطب پیام، این گروه نیستند؛ اگرچه معتقدم این پیام برای تمامی جامعه مستندسازان مفید خواهد بود.

می‌توان گفت بخشی از مخاطبان این پیام را متولیان و مسئولان اجرایی حوزه مستند فیلمسازی دانست؟

حتماً توجه بیشتر این پیام به مدیران فرهنگی است اگر چه مخاطب اصلی مستندسازان بودند. **آیا می‌توان گفت که بعد از این پیام فصل جدیدی در جامعه مستند ساز ما اتفاق**

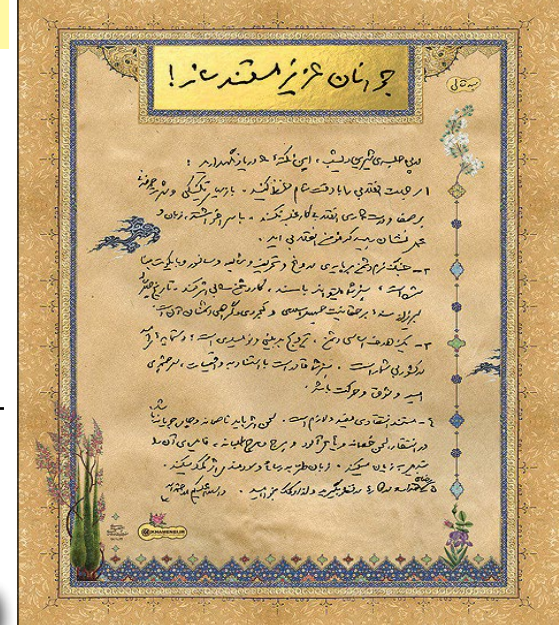
افتاده است؟
قطعاً با این پیام باید منتظر اتفاقات خوبی در حوزه مستند باشیم.
شما به عنوان یکی از مدیران مراکز مستندسازی در کشور فضای این حوزه را در کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟
به نظر کلیت جریان مستند به نفع کشور و به نفع مردم پیش می‌رود. نمی‌شود کتمان کرد عده خیلی کمی هم هستند که برای جواز بین‌المللی حاضراند دست به هر کاری بزنند اما کلیت جریان مستندسازی کشور این‌طور نیست. در حوزه جبهه انقلاب هم من معتقد هستم که اتفاقات خوبی در

پیام رهبر انقلاب

مستند رقم خورده و ما پیشرفت مناسبی در این زمینه داشتیم علی‌الخصوص در مستند سازان جبهه انقلاب که به گمان بنده فتنه ۸۸ این روند را تسریع کرد. در کل رهبر انقلاب با گفتن سازی و ضریبی که به مقوله فرهنگ دادند باعث رشد مستند هم شدند.

مخاطب اصلی پیام حضرت آقا کیست؟

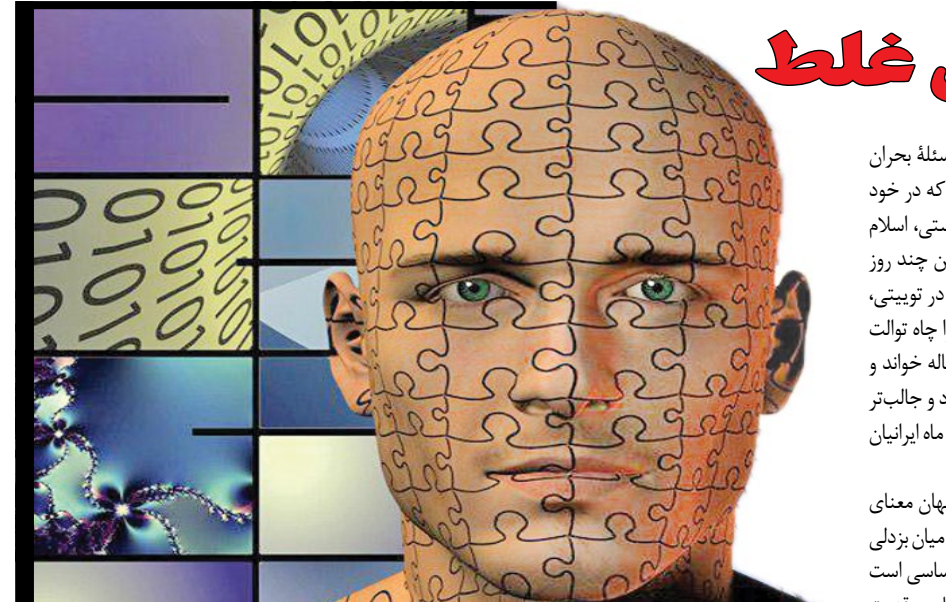
من معتقد هستم که خطاب اصلی ایشان به مستندسازانی است که برای مردم، انقلاب و نظام فعالیت می‌کنند. شاید در بین بعضی از آنها اختلاف نظر سیاسی هم دیده شود اما ملاک به نظرم منافع کشور و انقلاب است. طبیعتاً نمی‌توان



پیام رهبر انقلاب

هیچ کدام کاملاً مشخص نیست و برای مثال نمی‌توانی حدس بزنی که در یک تفسیر صحیح از یک خبر، چه مقدار روایت‌های جعلی وجود دارد یا در یک تصویر دروغ چه مقدار واقعیت!

این آدرس‌های غلط، چه در حوزه فرهنگ و سیاست یا در دیگر ابعاد اجتماعی زندگی انسان، همان فاکتور گذارنده که در اخلاق و اندیشه و بر شخصیت فردی او تأثیر می‌گذارد. تماشای یک استندآپ کمدی پر از شوخی و خنده و فاقه‌ها پس از شنیدن یک روایت بسیار تلخ و اندوه بار، یا اجرای یک حرکت زشت و نامتعارف و حتی وحشتناک، تنها برای دیده شدن و نمایش دادن، تنها بخش‌های کوچکی از آسیب‌های اخلاقی و سطحی شدگی اندیشه نزد کاربران این شبکه هاست. گذشته از روند بهرپوری قدرت‌ها و نهادهای سیاسی-اقتصادی از این رسانه‌ها که برای نمونه از عوارض آن می‌توان به آسیب‌های فرهنگی، از جمله به جریان ستاره سازی یا سلبریتیزیشن در مصرف زدگی و کالا شدگی انسان امروز اشاره کرد که برای مثال اگر بخواهیم از دنیای فانتزی کارتون‌ها نامی دیگر - خواه سیاسی یا غیر سیاسی - را مرور کنیم. طیفی وسیع و گنج‌کننده از اظهارنظرهای بی‌ربط و بی‌معنا که برخی اساساً نشانه‌های بیماری و بحران انسان امروز است. آدرس‌های غلط، نشانه‌های بی‌ربط و احساسات غلیظ شده‌ای که هر آن مخاطب یا کاربر خود را چه به لحاظ اخلاقی و اندیشه‌ی فردی و چه به لحاظ شخصیت اجتماعی



دچار چنان سطحی از تزلزل و سرگشتگی می‌کنند که بسا در تاریخ جوامع بشری پیش از این مثال نظیر و نمونه نداشته است. تنها نگاهی به جنگ‌ها و جنایات امروزی بشر گویای عمق فاجعه است. نگاهی به نحوه فعالیت و منافع امپریالیستی ایالات متحده در خاورمیانه است. در داغش کالی است تا بحران «استفاده غیر مسئولانه» یا ناآگاهانه یا مزدورانه و به عبارتی همان آدرس‌های غلط را در شبکه‌های ارتباطی امروز دریابیم.

آدرس‌های غلطی که برای نمونه در عرصه سیاسی می‌بینیم؛ چگونه اعتراضات درست و به حق مردم نسبت

شبکه‌های اجتماعی و آدرس‌های غلط

چندی پیش مدیران فیس بوک و توئیتر اعلام کردند درصدد افروندن امکاناتی کاربردی در این شبکه‌ها هستند که توانایی تشخیص اخبار دروغ و روایت‌های جعلی را برای کاربران آن‌سان تر می‌سازد. کمی قبل‌تر نیز باراک اوباما - رئیس‌جمهور ایالات متحده - در گفت و گویی نمادین با یکی از اعضای خاندان سلطنتی بریتانیا در رادیو بی‌بی سی متذکر شده بود که «استفاده نامسئولانه از شبکه‌های اجتماعی» به تشدید تعصبات و مخوش شدن واقعیت‌ها منجر می‌شود و این امر گفت‌وگویی عمومی و تعاملات اجتماعی را دشوارتر می‌کند.

اما این تمام ماجرا نیستند؛ در واقع تحول هولناکی که به قول اوباما استفاده نامسئولانه یا استفاده ناآگاهانه و بسا مزدورانه از این رسانه‌های ارتباطی جدید در جوامع مختلف، ام از توسعه یافته و در حال توسعه - به نسبت‌های مختلف - پدید می‌آورد، نوعی سسرگردانی و سطحی شدگی اندیشه است که می‌توان آن را به «آدرس‌های غلط» تعبیر کرد.

شبکه‌های اجتماعی منبع سرشار و بی‌پایانی از آدرس‌های غلط شده‌اند. حتی در اخبار غیر دروغ و روایت‌های غیر جعلی که البته این «فیس بو» به معنای متضاد دروغ بودگی و جعلی شدگی نیست. زندگی انسان امروزی در میان خبرها و روایت‌های حتی به ظاهر درست و واقعی در این شبکه‌ها، زندگی ابی دروغین و جعلی شده است. سطحی و شکسته میان دروغ و واقعیت که حد و مرز

دامن زدن به شکاف‌های اجتماعی است. مسئله بحران زایی که نه تنها در کشورهای در حال توسعه که در خود ایالات متحده به بحران‌هایی همچون زلزله‌پرستی، اسلام هراسی و قوم گرایی منجر شده است. همین چند روز پیش بود که رئیس‌جمهور ایالات متحده در توئیتر، برخی کشورهای آمریکای لاتین و آفریقای را چاه پهنر نامید و پیش‌تر از آن مهاجران مکزیک را زباله خواند و با پیش تراز ایران به ملت تورویست یاد کرد و جاب‌ت آنکه کمی بعد در جریان حوادث و اتفاقات دی‌ماه ایرانیان را مردمی شجاع خواند!

از آنجا که تورویست نزد اغلب مردم جهان معنای بزدلی و ترسو بودن می‌دهد، تضاد و سرگشتگی میان بزدلی یا شجاع بودن، تنها یک نمونه از تعارضات احساسی است که چنین ادبیاتی به ویژه در شبکه‌های اجتماعی، قدرت تأمل و اندیشه را از کاربران خود می‌گیرد. برای درک بهتر این تضاد و سرگشتگی کافی است تعداد و تنوع کامنت‌ها و اظهار نظرهای غالباً سطحی و احساسی کاربران و فائورهای مثلاً یک سلبریتی، یا خود تراپ یا هر شخصیت مشهور دیگر - خواه سیاسی یا غیر سیاسی - را مرور کنیم. طیفی وسیع و گنج‌کننده از اظهارنظرهای بی‌ربط و بی‌معنا که برخی اساساً نشانه‌های بیماری و بحران انسان امروز است. آدرس‌های غلط، نشانه‌های بی‌ربط و احساسات غلیظ شده‌ای که هر آن مخاطب یا کاربر خود را چه به لحاظ اخلاقی و اندیشه‌ی فردی و چه به لحاظ شخصیت اجتماعی

نگاهی به فیلم «کمدی انسانی»



کره شمالی است. این پدیده، فقان درک و کمبود آگاهی از وضعیت ایران را نشان می‌دهد. در حالیکه شایهتی میان این دو کشور نیست.

زیرا فعالیت‌های رسانه‌های ایران بر اساس NPT و تحت نظر IAEA قرار دارد. این در حالیست که تهران برجام را نیز پذیرفته است ولی باز هم ایران هراسی در چنین سطحی دیده می‌شود. برای همین معتقدم باید تا جایی که می‌توان از جری تی‌وی حمایت کرد و آن را به دست برتر ایران در دیپلماسی کشور تبدیل کرد.

به دشنواری خبررسانی جهانی اشاره کردید به نظر شما، مجلس چگونه از پرس تی‌وی و هیسپان تی‌وی حمایت می‌کند؟

پرس تی‌وی و شبکه‌های برون مرزی مشابه ما، نشانی اثرگذار در دیپلماسی عمومی کشور دارند و بسا توجه به فرا جناحی و غیر حزبی بودن، باید مورد حمایت دولت باشند اما واقعیت این است که بودجه کل صدا و سیما معادل دو سه شبکه ماهواره‌ای فارسی زبان خارجی است. از دیگر سو باید حمایت از شبکه‌های خبری برون مرزی در دستور کار باشد آن هم حمایتی همه‌جانبه که ردیف بودجه خاص و منابع مالی قوی فقط بخشی از آن باشد. مشکل اینجاست که بودجه باید به صورت لایحه توسط دولت ارائه شود و نمایندندگان حق ندارند ردیف بودجه جدید در قالب طرح کلیش مطرح کنند چرا که بر خلاف قانون اساسی است.

در چنین شرایطی انتظار می‌رود ظرفیت‌های شبکه‌های برون مرزی صداوسیما مغتنم شمرده شده و دستگاه‌های که ماموریت‌ها مشترک با شبکه‌های برون مرزی دارند مثل وزارت خارجه و... در حمایت همه‌جانبه از شبکه‌های خبری برون مرزی جدی‌تر از این ظاهر شوند.

متأسفانه برخی در دستگاه دیپلماسی تصور می‌کنند هر چه بیشتر کوتاه بیایند، برد سیاست خارجی کشور بالاتر می‌رود. در حالی که من معتقدم باید در دیپلماسی دست برد داشته باشیم تا بتوانیم پیش برویم که یکی از بهترین ابزارها، همین رسانه‌های برون مرزی جمهوری اسلامی هستند. این فعالیت‌ها ارزشمند و البته سخت است که باید تقویت شود. بنابراین وزارت خارجه بهتر است به صورت جدی به حمایت از شبکه‌های پرس تی‌وی و العالم و هیسپان تی‌وی بپردازد. باید حمایت از شبکه‌های خبری برون مرزی در دستور کار باشد آن هم حمایتی همه‌جانبه که ردیف بودجه خاص و منابع مالی قوی فقط بخشی از آن باشد

ایستادگی چند شبکه

ایجاد سیاسی و نیز جذب گردشگر از نظر اقتصادی. نتیجه وارونه نگاری رسانه‌های نظام بین‌المللی سلطه موجب شده، نه تنها مردم بلکه حتی مسئولان کشورهای اروپایی نیز از نظر فرهنگی دچار اشتباه شوند و ایران را کشوری فاقد توسعه تصور کنند که مردم آن مانند قبایل بیابانگرد بوده یا با اسب و شتر حمل‌ونقل می‌کنند. به همین خاطر بسیاری از مقامات غربی وقتی به ایران می‌آیند از آنچه می‌بینند و تفاوتی که با تصویر ساخته شده توسط رسانه‌ها وجود دارد، چنان شگفت زده می‌شوند که گویی به کشوری غیر از ایران آمده‌اند. برخی نیز تصور می‌کردند غیر ادوات نظامی، سنگ‌راهی خیابانی یا اسکواهای پرتاب موشک را در ایران خواهند دید انگار که ایران دچار جنگ و ناامنی ... است.

پس ارائه چهراهی صحیح از واقعیت‌های انسانی جاری در ایران توسط پرس تی‌وی می‌تواند به ایجاد تصویری درست از کشور در جهان کمک موثری کند.

نمایش چهره واقع گرایانه پرس تی‌وی چه تأثیری در سیاست خواهد داشت؟

خاطرم هست در یکی از دیدارها رئیس مجلس فرانسه به من گفت: دخترم که با تور گردشگری به ایران آمده و شهرهای تاریخی مانند شیراز را دیده بود، دید مطلوبی از کشور شما به من منتقل نمود که کاملاً نظر مرا به ایران عوض کرد. حالا من می‌دانم با کشوری امن، زنده با تمدنی عظیم مواجه هستم. این مطلوبیت رسانهای مختص ما نیست و کشورهای محروم همه شرایط مشابه دارند. بیشتر ملت‌ها دارای تمدن قدیمی و صاحب فرهنگ قوی هستند و برای توسعه و پیشرفت خود سعی می‌کنند اما حقوق شان توسط رسانه‌های نظام سلطه پایمال می‌شود که این موجب شده نتوانند از فرصت‌های خود بهره‌برداری کنند. معرفی این فرصت‌ها و فرهنگ‌ها یکی از رویکردهایی است که پرس تی‌وی می‌تواند بیش از پیش مورد توجه قرار دهد.

چگونه می‌توان از دیپلماسی عمومی برای فعالیت‌های صلح آميز هسته‌ای ایران استفاده کرد؟

دیپلماسی عمومی به معنای نزدیک شدن اجتماعی ملت‌ها و همگرایی اقتصادی میان کشورهاست که در این روند، رسانه‌های جهانی بیشترین تأثیر را دارند. شرایط ایران هراسی به حدی است که یک شرکت موبایل‌سازی کره جنوبی، تصور می‌کند ایران در حد کشوری مانند

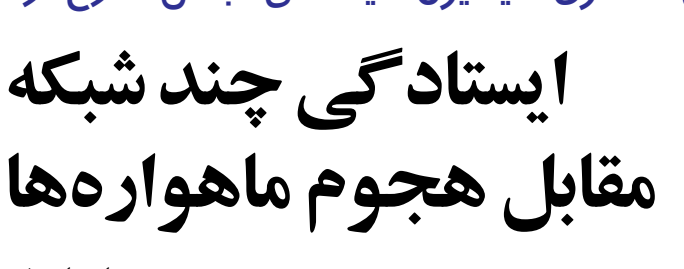
نقوی حسینی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس مطرح کرد

ایستادگی چند شبکه مقابل هجوم ماهواره‌ها

محمد پارسا نجفی

دبلماسی عمومی دارای نقشی تعیین‌کننده در جایگاه جهانی کشور هاست و اگر بخواهیم نقش اساسی رسانه بر دیپلماسی و تأثیر آن بر اقتصاد و فرهنگ کشور را مورد بحث و بررسی قرار دهیم، بای مؤلفه‌های گوناگونی اعم از سهم دستگاه‌های تصمیم گیر و استراتژی ساز تا اهرم‌های اجرایی و... دیپلماسی عمومی به میان می‌آید و آگاهی از جوابات مختلف تأثیر گذاری آنها به تبیین بحث مدد می‌رساند.

سید حسین نقوی حسینی، نه تنها سخنگوی کمیسیون برجام بوده بلکه سه دوره نیز عضویت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس را در سابقه خود دارد و در حال حاضر سخنگوی همین کمیسیون است. وی بخشی از وقت خود را به شبکه‌های پرس تی‌وی و العالم اختصاص می‌دهد و از اینکه کشور ما نیز دارای این ابزار قوی است خرسند است. بررسی تأثیر متقابل دولت و شبکه‌های برون مرزی عنوان گفت و گویی است که با نقوی حسینی داشتیم.



که به قول اوباما استفاده نامسئولانه یا استفاده ناآگاهانه و بسا مزدورانه از این رسانه‌های ارتباطی جدید در جوامع مختلف، ام از توسعه یافته و در حال توسعه - به نسبت‌های مختلف - پدید می‌آورد، نوعی سسرگردانی و سطحی شدگی اندیشه است که می‌توان آن را به «آدرس‌های غلط» تعبیر کرد.

شبکه‌های اجتماعی منبع سرشار و بی‌پایانی از آدرس‌های غلط شده‌اند. حتی در اخبار غیر دروغ و روایت‌های غیر جعلی که البته این «فیس بو» به معنای متضاد دروغ بودگی و جعلی شدگی نیست. زندگی انسان امروزی در میان خبرها و روایت‌های حتی به ظاهر درست و واقعی در این شبکه‌ها، زندگی ابی دروغین و جعلی شده است. سطحی و شکسته میان دروغ و واقعیت که حد و مرز



که به قول اوباما استفاده نامسئولانه یا استفاده ناآگاهانه و بسا مزدورانه از این رسانه‌های ارتباطی جدید در جوامع مختلف، ام از توسعه یافته و در حال توسعه - به نسبت‌های مختلف - پدید می‌آورد، نوعی سسرگردانی و سطحی شدگی اندیشه است که می‌توان آن را به «آدرس‌های غلط» تعبیر کرد.

شبکه‌های اجتماعی منبع سرشار و بی‌پایانی از آدرس‌های غلط شده‌اند. حتی در اخبار غیر دروغ و روایت‌های غیر جعلی که البته این «فیس بو» به معنای متضاد دروغ بودگی و جعلی شدگی نیست. زندگی انسان امروزی در میان خبرها و روایت‌های حتی به ظاهر درست و واقعی در این شبکه‌ها، زندگی ابی دروغین و جعلی شده است. سطحی و شکسته میان دروغ و واقعیت که حد و مرز

تراز دی‌آی‌دی آینده‌های تلف شده

فیلم جدید محمدهادی کریمی یکی از عجیب‌ترین فیلم‌های سال‌های اخیر سینمای ایران است. فیلمی که نه زمان و مکان در آن قابل شناسایی است، نه آدم‌های آن هویت دارند و نه داستان مشخصی در آن دیده می‌شود. فیلم «کمدی انسانی» قرار است در بسستر روایتی تاریخی و یک بیوگرافی ورزشی، هم به برخی از مظلوم رژیم پهلوی و گروهک‌های تروریستی برادرز و هم مفهوم امید را به طور سمبلیک به تصویر بکشد؛ به نظر می‌رسد که وضعیت فیلم با یادآوری همین چند نکته قابل تصور باشد.

شگفتی فیلم این است که هر نوع دست‌نبدی و درجه گذاری درباره آن، با چند مصداق، نقض می‌شود. مثلاً یکی از زمینه‌های دراماتیک این فیلم، ورزشی است. چون شخصیت محوری فیلم، یک بوکسور است. طبق قاعده، ویژگی قابل انتظار از یک درام ورزشی این هم با محوریت ورزش بوکس (مشت زنی) هیجان و تحرک بالاست. اما این فیلم از چنین ظرفیتی استفاده نکرده و ما با اثری کسدار با ضرابگاهی کند و خسته‌کننده مواجه می‌شویم.

«کمدی انسانی» درونمایه‌ای سیاسی هم دارد. به این ترتیب که بخشی از واقعیت‌های اجتماعی تاریخ معاصر ایران را در چند دهه نمایش می‌دهد. تقابل دست‌نمات امنیتی و نظامی طاغوت با مخالفان خود، بخشی از کشمکش تریزیک فیلم است. ضمن اینکه به فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی مثل سازمان منافقین نیز اشاراتی دارد. هر چند که جهت گیری تاریخی فیلم درست و متعهد به حقیقت است اما تحلیل عمیقی درباره جریان‌ها و تحولات سیاسی در فیلم وجود ندارد.

مشکل اساسی فیلم «کمدی انسانی» این است که این اثر ترکیبی از چند ایده زیبا و جذاب است که به جای درام، تبدیل به مجموعه‌ای از نمادها شده‌اند. بنابراین، مخاطب در طول تماشای آن به جای دیدن و چشیدن داستانی جاندار و پرکشش، باید دائم به کشف و شهود مفاهیم از دل این نمادها بپردازد. معمولاً هم کارگردان این نوع فیلم‌ها، نتیجه و پیام فیلم را به مخاطب واگذار می‌کنند تا کار خودشان را راحت کنند! باز هم ضعف در شخصیت پردازی، کار دستت یک فیلم داد! آن هم فیلمی که شاکا قلمه آن را زندگی می‌فرد که از آغاز تا انتها پدید آورده است. اما قهرمان این فیلم، فاقد بعد و عمق است و رفتارها و عقایدش چندان ملموس و محسوس نیست. او در حین مبارزه ورزشی، ورزیده و استوار است، اما خارج از حیطه ورزش، فرد ضعیف و سست به نظر می‌رسد، حتی ظاهر و چهره‌اش نیز بیش از حد اتو کشیده و سوسول است. قهرمان فیلم، می‌هویت است و حتی این می‌هویتی نیز ذلیل و بار دراماتیک خاصی هم ندارد. نکته مثبت فیلم این است که برخلاف جو غالب در سینمای اجتماعی سال‌های اخیر ما که سیاهی و ناامیدی را نوعی ژست روشنفکرانه تصویر و تصور می‌کنند، «کمدی انسانی» بدون شازگردی، نشانه‌هایی از امید و زندگی متعالی را هر چند به صورت نمایان نمایش می‌دهد.